

# سنجش و اعتباریابی نگرش به مساعدت اجتماعی و جایگاه آن در نظام مددکاری اجتماعی

دکتر محمد علی زکی  
عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

## چکیده

یکی از حوزه های نظری و پژوهشی در جامعه شناسی مددکاری اجتماعی، سنجش و مشاهده رفتارهای مساعدت گونه و همچنین بررسی و مطالعه نقش عوامل حالت و موقعیت بر آنها می باشد. اگرچه مددکاری اجتماعی از بعد حرفه ای به حل مشکلات افراد توجه دارد، رفتار نودوستانه و مساعدت گونه بر چگونگی روابط اجتماعی بین افراد تکیه می نماید و این دو، مکمل یکدیگر می باشند. لازمه حل مشکلات افراد، علاوه بر اثربخشی تلاش مددکاری اجتماعی، وجود روحیه نودوستانه و مساعدت گونه در میان افراد می باشد. در این راستا محققان به سنجش نگرشهای مربوط به رفتار مساعدتی علاقه مند می باشند و مقاله حاضر به طور خاص بر آزمون و اعتباریابی مقیاس و نگرشهای مربوط به مساعدت (HAS) تأکید خواهد داشت که از مقیاس معتبر نیکل (۱۹۹۸) در این خصوص استفاده خواهد شد. تحقیق از نوع پیمایش و نمونه آماری شامل دوپست دانشجوی دختر و پسر می باشد. داده های تحقیق با استفاده از برنامه رایانه SPSS استخراج و کدبندی و طبقه بندی گردیده است. نتایج یافته های تحقیق با تحقیقات خارجی هماهنگی دارد و مقایسه نگرش مساعدت اجتماعی، با فرهنگ ایرانی سازگاری دارد.

**کلید واژه ها:** مددکاری اجتماعی، رفتار مساعدت گونه، مقیاس نگرش مساعدت، نیکل، تحقیق پیمایشی.

## مقدمه مددکاری اجتماعی و مساعدت اجتماعی

همزمان با دگرگونی و تغییرات اجتماعی در سطوح متعدد صنعت، فرهنگ، اقتصاد، سیاست و غیره، نیازهای افراد جامعه نیز افزایش می‌یابد و انتظارات آحاد جامعه نیز دچار تحول می‌گردد و این درحالی است که امکانات و مقدرات در سطح جامعه به اندازه مورد نیاز رشد نکرده است؛ بنابراین به طور طبیعی شکاف و فاصله زیادی در میان امکانات موجود و انتظارات و نیازهای افراد جامعه ایجاد می‌شود و به همین دلیل است که مددکاری اجتماعی حضور می‌یابد. مددکاری اجتماعی در جهت حل و برطرف کردن مسائل و مشکلات به شیوه ای علمی، نقشی مهم و اساسی دارد. در دهه های معاصر، با توجه به گسترش و تنوع مشکلات ناشی از موقعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع، از دانش مددکاری اجتماعی به عنوان یک هنر یا فن و یا دانش استفاده می‌گردد که به افراد برای حل مسائل و مشکلات شخصی، گروهی و اجتماعی آنها کمک و یاری می‌رساند. مددکاری اجتماعی عمدتاً بر کاهش مشکلات در روابط انسانی و شکوفا ساختن زندگی از طریق بهبود و اصلاح تعامل اجتماعی تأکید می‌نماید. تأکید عمده مددکاری اجتماعی بر کمک و یاری رساندن به مردم برای بهبود و اصلاح عملکرد اجتماعی و توانایی‌شان برای تعامل و برقراری رابطه با دیگران است. بخش دیگری از موضوع تحقیق، به میزان تمایل و علایق افراد در خصوص یاری رساندن به یکدیگر اشاره دارد: افراد جامعه چه میزان علاقه‌مندند که در موقعیتهای ضروری و عادی زندگی اجتماعی به هموعان خود کمک رسانند؟ این حوزه با عنوان رفتار مساعدت گونه مورد نظر جامعه‌شناسان می‌باشد که بیشتر بر چگونگی و ماهیت روابط اجتماعی و نقش آن در حل مشکلات فردی و اجتماعی نظارت دارد. رفتار مساعدت گونه به عنوان فرایند مکمل مددکاری اجتماعی مدنظر می‌باشد. اگر چه فرایند مددکاری اجتماعی، بر استفاده از کارشناسان اجتماعی برای حل مسائل افراد تأکید دارد،

رفتار مساعدت گونه، بر ماهیت و چگونگی روحیه همدلی، همیاری و روابط اجتماعی بین افراد در راستای حل مشکلات تکیه می کند.

### تعریف مفاهیم: مددکاری اجتماعی و مساعدت اجتماعی

مددکاری اجتماعی به عنوان یک هنر، دانش و یک فن تلقی می شود که مردم را در جهت حل مشکلات فردی، خانوادگی و اجتماعی کمک می نماید تا در مواجهه با زندگی فردی، گروهی و اجتماعی، احساس رضایت و خشنودی نمایند (اسکیدمور و همکاران، ۲۰۰۰: ۸). رفاه اجتماعی، نظام سازمان یافته خدمات اجتماعی و نهادهای اجتماعی است که جهت یاری رساندن به افراد و گروه ها طراحی شده است تا افراد بتوانند ضوابط مورد رضایت و خشنودی از زندگی و سلامتی را کسب نمایند و روابط متقابل فردی و اجتماعی خودشان را با تمامی توانایی تقویت کنند. (همان، ۳). خدمات اجتماعی به کوششهای سازمان یافته ای اطلاق می شود که در جهت رفاه حال مردم به کار می آید و مددکاری اجتماعی، بعد حرفه ای این کوشش می باشد (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۷۲۹). تأمین اجتماعی، تأمین و حمایت افراد در مقابل آفتها و آسیبهای غیرقابل پیش بینی، مانند بیماری، بیکاری، پیری، سوانح کار، صنعت و غیره، عواملی است که افراد و خانواده ها به تنهایی در برابر آنها ناتوان هستند و به کمکهای اجتماعی نیاز دارند. این موضوع از طریق خدمات اجتماعی، بیمه ها، تدابیر حفاظتی، درمانی و خدمات رفاهی، تأمین و تضمین می شود. تأمین اجتماعی دربرگیرنده خدمات اجتماعی و برنامه کمکهای اجتماعی خصوصی است که سهم عمده ای در نظام رفاه اجتماعی کشور ایفا می کند. (شیخی، ۱۳۷۳: ۱۰)

## اهداف تحقیق

مددکاری اجتماعی به بعد حرفه ای حل مشکلات افراد تکیه دارد؛ ولی رفتار مساعدت اجتماعی بر این اصل استوار است تا دریابد که افراد جامعه دارای چه روابط فردی و اجتماعی می باشند تا در موارد مورد نیاز، توانایی کمک و یاری رساندن به یکدیگر را داشته باشند. نگرش افراد در حوزه مساعدت اجتماعی و نودوستی، بازگو کننده چگونگی روابط اجتماعی بین افراد جامعه است. با سنجش میزان نگرشهای مساعدت گونه می توان زمینه حل مسائل افراد را شناسایی نمود و هدف عمده پژوهش حاضر بررسی و تعیین میزان نگرشهای مساعدت گونه افراد جامعه است که خود زمینه اصلی حل مشکلات اجتماعی را فراهم می نماید و البته بُعد حرفه ای حل مشکلات، به حوزه مددکاری اجتماعی مربوط می باشد. در این راستا، اهداف فرعی دیگری مورد نظر تحقیق خواهد بود:

- ۱- آزمون و اعتباریابی مقیاس نگرشهای مساعدتی؟
- ۲- بررسی میزان نگرشهای مساعدتی جوانان (با تکیه بر گروه سنی دانشجویان)؛
- ۳- آزمون تفاوت میزان نگرشهای مساعدتی میان دختران و پسران؛
- ۴- مقایسه یافته های موجود با تحقیقات پیشین.

## مبانی نظری مساعدت اجتماعی

چگونه می شود که مردم به دیگران کمک می کنند؟ در حالی که آنها نتیجه اعمالشان را نمی بینند و کسانی را که یاری می دهند، به طور دقیق نمی شناسند. آنها مطمئن نیستند که امداد و کمک رسانی شان چه مدت طول خواهد کشید. برخی گزینشهای عقلانی در عموم وضعیتها به گونه ای است که حکم می کند آدمی خطر

نکند. در «وضعیت‌های مهم اجتماعی»<sup>۱</sup> به واسطه گذشت از منافع شخصی است که آدمی تمایل پیدا می‌کند که به دیگران یاری برساند؛ اگر چه در ظاهر احتمال دارد از سوی برخی مشکلات و از خودگذشتگیها متضرر هم شود، روحیه تعاون و همکاری تنها اساس تحلیل ساز و کار «یاری رساندن به دیگران»<sup>۲</sup> است.

تجزیه و تحلیل ساز و کار یاری رساندن به دیگران، یکی از عمده دل‌مشغولیهای دانشمندان علوم اجتماعی است. انگیزه «نوعدوستی»<sup>۳</sup> را می‌توان این گونه مورد تحلیل قرار داد: الف) برخی موقعیتها و وضعیتها و مشکلات در حیات اجتماعی وجود دارد که ایجاب می‌کند آدمی به فریاد دیگران برسد؛ ب) احتمالاً برخی افراد مایل هستند به فکر دیگران نیز باشند.

بنابراین در حوادث و وقایع اجتماعی مشابه، افراد به شکلهای مختلفی نسبت به دیگران کمک می‌رسانند که این نکته اساس تحلیل «رفتار جامعه پسند»<sup>۴</sup> را بنیان می‌نهد: ۱) متعاقب وجود رفتار فرااجتماعی است که میزان سودمندی فرد برای دیگران متفاوت خواهد بود؛ ۲) همچنین در آینده به واسطه وقوع برخی حوادث و پیشامدهاست که افراد می‌توانند رفتارهای فرا اجتماعی مطلوب خود را بروز دهند؛ ۳) و از این طریق است که میزان کارایی افراد جهت کنشهای فرا اجتماعی افزایش می‌یابد (افراد از میزان کارایی بالایی برخوردار می‌باشند)؛ ۴) افراد کنش فرا اجتماعی خود را برای دیگران نمایان می‌سازند (به نفع دیگران به صحنه‌ها وارد می‌شوند) (برکرز<sup>۵</sup>، ۲۰۰۰).

گذشته از نقش موقعیتها و زمینه‌ها در چگونگی تحلیل ماهیت رفتار فرا اجتماعی، نوعدوستی و رفتار مساعدت‌کننده، محققان توجه خاص به تمایزات و تفاوت‌های فردی و اجتماعی نیز داشته‌اند. اینکه چه عواملی موجب تفاوت‌های فردی نوعدوستانه‌ای چون

1- Social Dilemmas

2- Helping

3- Altruism

4- Prosocial Behavior

5- Bekkers

همدلی، جهت‌گیریهای اجتماعی، ارزشها و هنجارهای اجتماعی در خصوص مساعدت نمودن به دیگران می‌شود، می‌توان گفت که عوامل اجتماعی، فرهنگی، تفاوت‌های شخصی، تنوع تأثیر عوامل جامعه‌پذیری و سایر عوامل موجب تفاوت‌های متنوعی در رفتارهای فرااجتماعی، احساس نועدوستی و رفتار مساعدت‌گونه نسبت به دیگران می‌شود.

بخشی از علت کنش افراد در رفتار فرااجتماعی نועدوستی و رفتار مساعدتی، مربوط به ارزشها و هنجارهای جامعه می‌باشد. در جامعه‌شناسی کلاسیک، هنجارهای جامعه، بخشی از نظام‌های هنجاری ماورای افراد تلقی می‌شود که در سطح گسترده‌ای، رفتار افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند و وابستگی به هنجارها و بروز آن در رفتار افراد نتیجه‌ای از فرایند جامعه‌پذیری محسوب می‌شود. در این فرایند است که مردم هنجارهای جامعه را درونی نموده و سیطره وجود نظام هنجاری، در رفتار افراد بروز داده می‌شود و بدین گونه می‌توان رفتارهای فرااجتماعی عمده را مورد تحلیل قرار داد. هنجارهای جامعه تعیین‌کننده رفتارهای فرااجتماعی می‌باشند که موجب بروز پدیده «مسئولیت اجتماعی»<sup>۱</sup>، نوع دوستی، انصاف و مروت می‌گردد از نظر جامعه‌شناسی عوامل اجتماعی مختلف هم چون دین، جو خانواده، حمایت اجتماعی دوستان، نظام پاداش و مجازات در چگونگی فرایند درونی شدن هنجارها و ... نقش قابل توجهی در رشد رفتار فرااجتماعی ایفا می‌کند (برکرز، ۲۰۰۰).

نظام فرهنگی، ارزشها، هنجارها و نگرشها بخش اساسی و تعیین‌کننده در رفتار فرااجتماعی، نوع دوستی و رفتار مساعدتی دارند. در مطالعه تمایلات و گرایشهای رفتار فرااجتماعی و مساعدتی، نقش عوامل حالتی (موقعیتی هم چون نگرشها) قابل توجه است و علاقه غالب محققان در این راستا، سنجش و مشاهده رفتارهای خاص مساعدتی است

در حال حاضر روان شناسان اجتماعی توجه خاصی به «شخصیت نועدوستی و مساعدتی»<sup>۱</sup> دارند و اینکه در نهایت شخصیت مساعدتی موجب شکل گیری رفتار فرااجتماعی می شود (باتسون، ۱۹۹۱).<sup>۲</sup>

در خصوص گرایشهای مساعدتی می توان از ابزارهای خود گزارشی مختلفی که تهیه گردیده است، استفاده نمود. هدف عمده پژوهش حاضر بررسی و مطالعه نگرشهای افراد در خصوص «رفتار مساعدتی»<sup>۳</sup> است و منظور از «نگرشهای مساعدتی»<sup>۴</sup> مجموعه رفتارها، باورها و احساسات افراد برای کمک کردن به دیگران است (نیکل، ۱۹۹۸).<sup>۵</sup>

### سابقه و تاریخچه تحقیقات مساعدت اجتماعی

در زمینه سنجش میزان روحیه و رفتار مساعدت گونه و همیاری، ابزارهای مختلفی تاکنون طراحی شده است. از طریق نتیجه آزمونهایی که گزارش می شود، می توان میزان رفتار مساعدت گونه را اندازه گیری کرد. راشتون و همکاران<sup>۶</sup> با طراحی پرسشنامه ای به سنجش میزان رفتارهای مساعدت گونه پرداخته اند که به «مقیاس خود گزارشی نועدوستی»<sup>۷</sup> (SRA) (۱۹۸۱) مشهور است. گویه های ابزار فوق به طور خاص، ابعاد و زمینه های فرهنگی رفتار نועدوستی و مساعدت گونه افراد را مورد سنجش قرار می دهد. رومر و همکاران<sup>۸</sup> نیز به سنجش میزان رفتار مساعدت گونه پرداخته اند که در نهایت به طراحی و انجام «پرسشنامه جهتگیری مساعدت و همکاری»<sup>۹</sup> (HOQ) (۱۹۸۶) منتهی شد. آنها به اندازه گیری چهار بعد جهتگیری رفتار مساعدت گونه تأکید نموده اند:

1- Altruistic and Helping personality

2- Batson (1991)

4- Helping Attitudes

6- Rushton, Chrisjohn and Fekken (1981)

7- Self Reput Altruism scale (SRA)

9- Helping Orientation Questionnaire

3- Helping Behavior

5 - Nickell(1998)

8- Romer, Gruder and Lizzadro (1986)

نوع دوستی<sup>۱</sup>، روحیه گذشت،<sup>۲</sup> روحیه بردباری،<sup>۳</sup> و خودخواهی.<sup>۴</sup> گری نیکل (۱۹۹۸)،<sup>۵</sup> با هدف بسط ابزاری در خصوص سنجش ابعاد گوناگون باورها، احساسات و رفتارهای مرتبط با همیاری و همکاری و مساعدت نمودن، به طراحی و ساخت مقیاسی اقدام نموده است که به «مقیاس نگرشهای مساعدت گونه» (۱۹۹۸)<sup>۱</sup> (HAS) مشهور می‌باشد. نیکل بر اساس چهار مطالعه به روان سنجی و ساخت و اعتباریابی مقیاس مورد نظر پرداخته است که در مجموع ۴۰۸ دانشجوی دختر و پسر در چهار مطالعه شرکت داشته‌اند. نیکل در مرحله نخست، پرسشنامه اولیه را با ۶۰ گویه بر روی ۱۲۸ دانشجو اجرا نمود (۵۴ پسر و ۷۴ دختر، یکی از داوطلبان وضعیت جنسیت خود را گزارش نداده است). با توجه به محاسبات آماری ۱۴ گویه حذف گردید و ۲۵ گویه بیشترین نمرات را کسب کرد و در نتیجه، ویرایش نهایی مقیاس مذکور دربردارنده ۲۵ گویه می‌باشد (۱۵ گویه به ابعاد مثبت موضوع و ۱۰ گویه به ابعاد منفی آن پرداخته‌اند). میزان پایایی ابزار فوق (۱۲۸ داوطلب و ۲۵ گویه) با توجه به آماره آلفا کرونباخ ۰/۸۶۹ گزارش شده است. هدف نیکل در مطالعه دوم آزمون و بازآزمایی پایایی مقیاس مورد نظر بوده است. در مطالعه دوم ۵۸ دانشجو (۲۸ پسر و ۳ دختر) پرسشنامه‌ها را تکمیل نمودند و در فاصله یک ماه مجدداً به تکمیل مقیاس مورد نظر اقدام کردند که ضریب همبستگی مقیاس مورد توجه ۰/۸۳۷ به طور معناداری محاسبه شده است. هدف نیکل در مطالعه سوم، آزمون روایی مقیاس خودساخته بوده است که ۱۱۶ دانشجو پرسشنامه‌های تحقیق را تکمیل نمودند (۱۵ پسر و ۹۵ دختر و جنسیت ۶ نفر آنها مشخص نشده است) جهت روایی سازه، مقیاس نگرشهای رفتار مساعدت با مقیاس خود گزارشی نوع دوستی (SRA) و پرسشنامه جهتگیری مساعدت (HOQ) و شاخص فعالیت میان فردی (IRI)<sup>۷</sup> مورد بررسی قرار

1- Receptive giving

2- Inner sustaining

3- Selfish

4- Nicell (1998)

5- Niklle

6- The Helping Attitude Scale (HAS)

7- Interpersonal Reactivity Index (IRI), Smith(1980)



گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که ضریب همبستگی مقیاس نگرشهای مساعدت با مقیاس نوع دوستی (SRA) معنادار می باشد ( $r=0/403$ ). علاوه بر آن، مقیاس مذکور رابطه معناداری با شاخص فعالیت میان فردی (IRI) داشته است ( $r=0/362$ ). همچنین روابط معناداری مقیاس مورد نظر با چهار پاره مقیاس شاخص فعالیت میان فردی (IRI) وجود داشته است. نکته آخر آنکه همبستگی مثبت و معناداری نیز در میان نیز مقیاس خود ساخته با پرسشنامه جهتگیری مساعدت (HOQ) گزارش شده است ( $r=0/434$ ). اگر چه مقیاس خود ساخته با یکی از پاره مقیاسهای جهتگیری مساعدت (پاره مقیاس گذشت پذیرنده) رابطه معنا دار نداشته است، ولیکن با سه پاره مقیاس دیگر جهتگیری مساعدت (نوع دوستی، متحمل شدن درونی و خودخواهی) روابط معناداری داشته است؛ به گونه ای که نگرش مساعدتی، رابطه مثبت با نوع دوستی داشته؛ در حالی که نگرشهای مساعدتی، با متحمل شدن درونی و خودخواهی رابطه منفی دارند. در مطالعه چهارم توجه نیکل به آزمون روایی مقیاس خود ساخته اش بوده است. در مطالعه فوق پرسشنامه نگرشهای مساعدتی در میان ۱۰۶ داوطلب (۲۵ مرد، ۷۹ زن و جنسیت ۲ داوطلب نامعلوم بوده است) توزیع گردید که علاوه بر مقیاس مورد نظر، داوطلبان، سه پرسشنامه مربوط به مقیاس مسئولیت اجتماعی (SRS)<sup>۱</sup> و مقیاس جهانی انصاف (عدل) (JWS)<sup>۲</sup> و مقیاس کنترل درونی بیرونی<sup>۳</sup> را تکمیل کردند و مقیاس نگرشهای مساعدتی روابط معناداری با سه مقیاس مورد نظر داشته است (به ترتیب  $r=0/544$  و  $r=0/261$  و  $r=0/234$ ). نتیجه آنکه در مجموع چهار مطالعه انجام شده، میانگین نمره مقیاس ۲۵ گویه ای ۹۷/۵۵۹ و انحراف معیار ۱۰/۰۴۷ گزارش شده است ( $N=408$ ). همچنین تفاوت معناداری در میان نگرش مردان و زنان (به نفع زنان) مشاهده شده است (میانگین نمره مقیاس حذف مردان

1- Social Responsibility scale (SRS) , Berkowitz and Daniels(1964)

2- Just world scale (JWS) Rubin and Peplau(1975)

3- Internal - external locus of control Scale, Rotter(1966)

۹۲/۴۲۶ و زنان ۹۹/۷۹۳ گزارش شده است) آمار آزمون: ۷/۱۲۱ و با سطح معناداری تفاوت معتبر بوده است.

نتیجه نهایی گزارش نیکل (۱۹۹۸) نشانگر آن بوده که مقیاس ساخته شده به طور معتبری می تواند نگرشهای مثبت و منفی افراد در خصوص مساعدت و کمک رساندن به دیگران را مورد سنجش قرار دهد. چهار مطالعه انجام شده نیکل گویای آن است که مقیاس خودساخته، دارای پایایی و روایی معتبر بوده است.

جدول ۱) نتایج آمار توصیفی چهار مطالعه نیکل در خصوص «مقیاس نگرشهای مساعدت گونه»

آماره های توصیفی	مطالعه اول	مطالعه دوم	مطالعه سوم	مطالعه چهارم	کل
تعداد داوطلبان	۱۲۸	۵۸	۱۱۶	۱۰۶	۴۰۸
میانگین	۹۴/۲۵	۹۷/۱۵۵	۹۹/۳۷۱	۹۹/۷۹۲	۹۷/۵۵۹
انحراف معیار	۱۱/۰۴۳	۹/۴۶۸	۸/۹۳۱	۹/۲۵۴	۱۰/۰۴۷
حداقل	۴۲	۷۸	۶۹	۷۴	۴۲
حداکثر	۱۱۶	۱۱۸	۱۱۷	۱۲۲	۱۲۲

منبع: نیکل، ۱۹۹۸.

البته نیکل در گزارش دیگری (۱۹۹۸) در خصوص مقیاس مورد نظر متکی بر ۲۰ گویه به این نتیجه رسیده که میانگین نمره مقیاس، ۷۹/۵۶ و انحراف معیار آن، ۸/۷۲۶ و دامنه نمرات مقیاس، ۳۲-۹۷ بوده است و میزان پایایی در یکی از تحقیقات ( $N=58$ ) از طریق آزمون مجدد (به فاصله یک ماه اجرای مجدد مقیاس) ۰/۸۴۷ گزارش شده است. نمره مقیاس مذکور میان مردان و زنان به ترتیب ۷۵/۱۷۲ و ۸۱/۴۵۵ می باشد و آمار آزمون  $t$  گویای آن است که میزان نگرش زنان نسبت به مردان در خصوص مساعدت و باری رساندن به دیگران بیشتر و این تفاوت معنادار است ( $t=6/546$  و  $sig=0/001$ )

## چارچوب روش تحقیق

روش تحقیق حاضر، از نوع پیمایشی و ابزار جمع آوری اطلاعات، پرسشنامه استاندارد است. ابزار تحقیق، «مقیاس نگرشهای مساعدت» (HAS) از گری، اس. نیکل (۱۹۹۸) می باشد. ابزار فوق به مجموع نگرشها، احساسات و رفتارهای داوطلبان در زمینه یاری و مساعدت نمودن به دیگران توجه دارد که بر اساس طیف لیکرت طراحی شده و در بردارنده ۲۰ گویه می باشد. پایایی ابزار پژوهش با توجه به آماره آزمون آلفا کرونباخ با ۲۰ گویه و ۲۰۰ داوطلب به میزان ۰/۸۲۴ گزارش شده است و پایایی ابزار میان پسران و دختران به ترتیب ۰/۸۲۶ و ۰/۸۰۵ بوده است. آماره مذکور با حذف هر گویه و ضرایب همبستگی هر گویه با کل مقیاس در جدول ۲ آمده است.

جامعه آماری، کلیه دانشجویان دانشگاه های دولتی (اصفهان) و آزاد اسلامی (شهر علامه مجلسی) می باشد و نمونه آماری، ۱۰۰ دانشجوی دختر دانشگاه اصفهان و ۱۰۰ دانشجوی پسر دانشگاه آزاد اسلامی شهر علامه مجلسی و روش نمونه گیری به صورت تصادفی ساده در نظر گرفته شده است. داده های تحقیق پس از جمع آوری با استفاده از برنامه کامپیوتری SPSS، کدبندی و دسته بندی گردیده است. روشهای آماری پژوهش شامل آماره های توصیفی، تحلیل عاملی، ضرایب همبستگی پیرسون، آماره آزمون t می باشد.

لازم به تذکر است که نیکل در طراحی و ساخت مقیاس مورد نظر، گویه ها را به گونه ای دسته بندی کرده است که برخی از آنها جهت مثبت و برخی دیگر جنبه منفی نگرشهای نسبت به مساعدت نمودن به دیگران را مورد سنجش قرار می دهد. گویه های مثبت، شامل گویه های ۲ و ۳ و ۴ و ۶ و ۷ و ۹ و ۱۰ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۲۰ و گویه های منفی، شامل گویه های ۱ و ۵ و ۸ و ۱۱ و ۱۸ و ۱۹ می باشد. از آنجا که مرز ۰/۳۰ برای قبولی

بارهای عاملی پذیرفته شده است، در تحلیل عاملی، حداقل قبولی بارهای عامل گویه‌های  
مقیاس ۰/۳۰ لحاظ شده است. (کلاین، ۱۳۸۰ و کیم و مولر، ۱۳۷۸).

تحلیل عاملی نشانگر آن است که ۲۰ گویه مقیاس، در دو عامل قابل تقلیل است:  
عامل اول، شامل گویه‌هایی است که جهت مثبت موضوع را می‌سنجیده اند و عامل دوم  
همان گویه‌هایی است که از آغاز ساخت و طراحی مقیاس، به عنوان گویه‌هایی که  
جهت منفی میزان رفتار مساعدتی را می‌سنجیده، تعریف شده است و یافته‌های مذکور  
معرف روایی محتوای ابزار تحقیق می‌باشد. مقدار ویژه عامل اول و عامل دوم به ترتیب  
۵/۲۲۳ و ۱/۵۴۵ می‌باشد و عامل اول ۲۶/۱۱ درصد، تغییرات ۱۴ گویه مثبت مقیاس را  
تبیین می‌نماید و عامل دوم ۷/۷۲ درصد، تغییرات ۶ گویه جهت منفی مقیاس را تبیین  
می‌کند. با توجه به سابقه تحقیق می‌توان عامل اول را نودوستی و عامل دوم را  
خودخواهی تعریف کرد. (جدول ۳)

جدول ۲) پایایی مقیاس نگرش مساعدتی با توجه به آماره آلفا کرونباخ

گویه	ضریب همبستگی گویه با کل مقیاس	پایایی مقیاس با حذف گویه	گویه	ضریب همبستگی گویه با کل مقیاس	پایایی مقیاس با حذف گویه
۱	۰/۳۳۹۵	۰/۸۲۱	۱۱	۰/۴۷۳۸	۰/۸۱۴
۲	۰/۴۸۷۱	۰/۸۱۵	۱۲	۰/۴۷۳۳	۰/۸۱۶
۳	۰/۲۸۵۳	۰/۸۲۳	۱۳	۰/۵۲۳۱	۰/۸۱۱
۴	۰/۳۹۸۰	۰/۸۱۹	۱۴	۰/۵۰۶۳	۰/۸۱۴
۵	۰/۳۰۳۸	۰/۸۲۵	۱۵	۰/۶۵۷۵	۰/۸۰۸
۶	۰/۴۱۶۴	۰/۸۱۸	۱۶	۰/۳۵۱۴	۰/۸۲۱
۷	۰/۵۱۴۹	۰/۸۱۵	۱۷	۰/۳۱۶۴	۰/۸۲۵
۸	۰/۳۳۷۳	۰/۸۲۲	۱۸	۰/۳۱۱۳	۰/۸۲۴
۹	۰/۳۰۵۲	۰/۸۲۲	۱۹	۰/۲۷۵۸	۰/۸۲۵
۱۰	۰/۴۸۷۴	۰/۸۱۳	۲۰	۰/۵۳۵۱	۰/۸۱۳

جدول ۳) بارهای عاملی گویه های مقیاس نگرشهای مساعدتی پس از چرخش

واریماکس

عامل دوم	عامل اول	گویه	عامل دوم	عامل اول	گویه
	۰/۴۵۷	۱۷		۰/۶۶۶	۱۴
	۰/۴۳۱	۳		۰/۶۶۵	۱۵
	۰/۴۰۱	۷		۰/۶۱۲	۴
	۰/۳۶۳	۹		۰/۵۸۶	۱۰
۰/۶۵۳		۵		۰/۵۶۷	۶
۰/۶۴۹		۸		۰/۵۲۳	۱۶
۰/۶۴۲		۱		۰/۵۱۳	۲
۰/۵۲۵		۱۱		۰/۵۱۲	۲۰
۰/۴۲۶		۱۸		۰/۵۰۳	۱۲
۰/۳۸۴		۱۹		۰/۴۹۴	۱۳
۷/۷۲۳	۲۶/۱۱۶	درصد واریانس تبیین شده	۱/۵۴۵	۵/۲۲۳	مقدار ویژه

شاخص آماری KMO از نظر آماری دارای سطح معنا دار بسیار معتبر می باشد (۰/۸۴۷) و معرف آن است که تحلیل عاملی در خصوص ۲۰ گویه مقیاس از نظر آماری قابل اجرا می باشد. آمار دیگر که گویای مناسب بدون مدل تحلیل عاملی می باشد، «دترمینان ماتریس»<sup>۱</sup> ضرایب همبستگی است. هر چه این مقدار کمتر باشد، تجزیه و

تحلیل عاملها معتبرتر خواهد بود. مقدار ترمینان مقیاس تحقیق برابر با  $0/00786$  محاسبه شده که گویای معتبر بودن تحلیل عاملی در خصوص ۲۰ گویه است. آمار سوم، آزمون کرویت است که به آزمون فرض ماتریس واحد بودن ماتریس ضرایب همبستگی اشاره می کند. محاسبات آماری معرف آن است که آزمون کرویت بارتلت<sup>۱</sup> به میزان  $927/93$  به دست آمده و از سطح معنا دار بالایی برخوردار است ( $\sin=0/000$ )؛ لذا مدل تحلیل عاملی تحقیق، مدل مطلوبی از نظر آماری تلقی می شود.

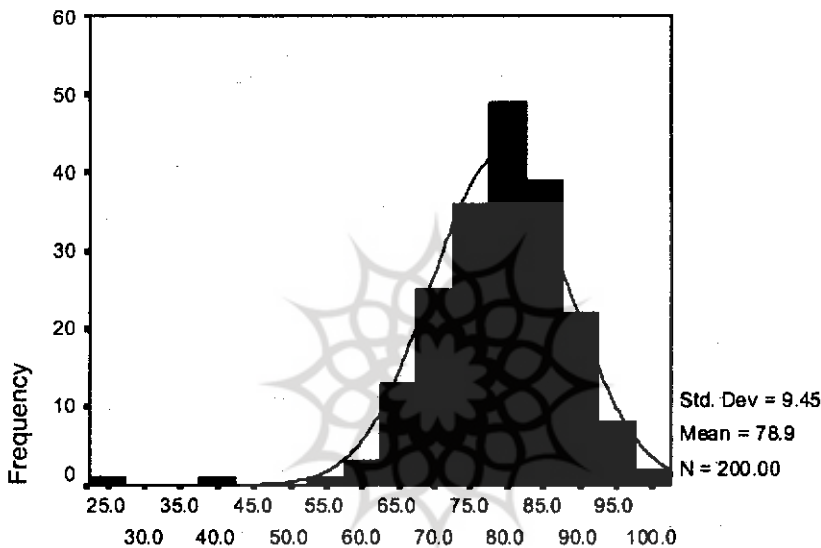
### یافته های تحقیق

یافته ها بازگو کننده آن است که میانگین و انحراف معیار سن داوطلبان به ترتیب  $21/49$  سال و  $2/15$  محاسبه شده و میانگین سن داوطلبان پسر و دختر به ترتیب  $22/06$  سال و  $20/92$  سال به دست آمده است.

داده های پژوهش معرف آن است که میانگین نمره داوطلبان در خصوص مقیاس و ابزار تحقیق  $78/87$  و انحراف معیار  $9/45$  بوده است. به تفکیک جنس، یافته ها گویای آن است که میانگین نمره پسران و دختران به ترتیب  $76/74$  و  $81/01$  می باشد و انحراف معیار مقیاس پسران و دختران به ترتیب  $9/87$  و  $8/53$  است. دامنه نمرات مقیاس در کل داوطلبان  $25-99$  می باشد (جدول ۴). آماره های توصیفی گویه های ابزار تحقیق (۲۰ گویه) در جدول شماره ۵ گزارش شده است. داده ها بازگو کننده آن است که میانگین گویه ۱۰ بیش از ۲ محاسبه شده و میانگین گویه های ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۹ و بالای عدد ۳ به دست آمده و مابقی ۱۲ گویه دارای میانگین بالای ۴ گزارش شده است.

شاخص آماره آزمون کولموگروف اسمیرنوف به مقدار  $1/003$  محاسبه شده است و اعتبار آن  $0/267$  می باشد که معرف آن است که نگرشهای مساعدت گونه، دارای توزیع نرمال می باشد. نمودار توزیع نرمال نگرشهای مساعدتی در نمودار ۱ نمایش داده می شود.

### helping attitudes



### helping attitudes

نمودار ۱) توزیع نرمال نگرشهای مساعدت گونه دانشجویان

جدول ۴) آمارهای توصیفی مقیاس نگرشهای مساعدت

تعداد	میانگین	انحراف معیار	حداکثر	حداقل	
۱۰۰	۷۶/۷۴	۹/۸۷۹۷	۹۹	۲۵	پسران
۱۰۰	۸۱/۰۱	۸/۵۳۲۲	۹۸	۴۱	دختران
۲۰۰	۷۸/۸۷	۹/۴۵۲۸	۹۹	۲۵	کل

جدول ۵) آماره های توصیفی گویه های ابزار تحقیق

انحراف معیار	میانگین	گویه	انحراف معیار	میانگین	گویه
۰/۹۸	۴/۱۷	۱۱	۱/۰۶	۳/۹۶	۱
۰/۷۸	۴/۳۱	۱۲	۰/۷۶	۴/۴۲	۲
۱/۱۱	۴/۱۸	۱۳	۰/۷۶	۴/۳۹	۳
۰/۸۳	۴/۰۳	۱۴	۰/۷۷	۴/۲۹	۴
۰/۷۹	۴/۳۱	۱۵	۱/۲۵	۳/۴	۵
۱/۱۷	۳/۱	۱۶	۰/۸۵	۴/۰۶	۶
۱/۲۹	۳/۲۳	۱۷	۰/۷۱	۴/۳۴	۷
۱/۱۷	۳/۷۴	۱۸	۱/۰۷	۳/۸۱	۸
۱/۱۴	۳/۳۱	۱۹	۰/۸۳	۴/۱۱	۹
۰/۷۶	۴/۴۷	۲۰	۱/۰۷	۲/۳	۱۰

یافته های پژوهش نشان می دهد که میزان نگرشهای مساعدت گونه داوطلبان پسر و دختر به صورت جداگانه به میزان زیاد ارزیابی شده است. نگرشهای مساعدتی ۶۵ درصد پسران و ۵۶ درصد دختران در سطح زیاد می باشد. ۲۲ درصد پسران و ۳۸ درصد دختران، میزان نگرشهای مساعدت گونه خود را به میزان خیلی زیاد ابراز نموده اند. داده های توصیفی معرف تفاوت نگرشهای افراد به نفع دختران می باشد و داوطلبان دختر نگرشهای مساعدت گونه بیشتری نسبت به پسران از خود نشان داده اند (جدول ۶).



جدول ۶) میزان سطوح نگرشهای مساعدت به تفکیک جنس

جنس/سطوح نگرش	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
پسران	۲۲	۶۵	۱۲	۱	۰
دختران	۳۸	۵۶	۵	۱	۰
کل	۶۰	۱۲۱	۱۷	۲	۰

یافته های پژوهش معرف آن است که تفاوت معناداری به نفع دختران دانشجو در خصوص نگرشهای مربوط به یاری و مساعدت نمودن به دیگران وجود دارد. آماره آزمون  $t(3/271)$  گزارش شده است که به طور معناداری تفاوت وجود دارد ( $sig=0/001$ ) (جدول شماره ۷).

جدول ۷) نتایج آمار آزمون  $t$  در خصوص مقیاس نگرشهای مساعدت

گروه های تحقیق	میانگین	انحراف معیار	آمار آزمون $t$	اعتبار آزمون $t$
پسران	۷۶/۷۴	۹/۸۷	۳/۲۷۱	۰/۰۰۱
دختران	۸۱/۰۱	۸/۵۳		

### تحلیل عاملی

با توجه به توضیحات پیشین در چارچوب روش تحقیق، داده ها معرف آن بوده است که بیست گویه مقیاس در دو عامل قابل تقلیل است و قرار گرفتن گویه های مقیاس در درون دو عامل در راستای ساخت و طراحی مقیاس می باشد؛ لذا عامل اول به بعد مثبت رفتار مساعدت گونه می پردازد که به لحاظ سابقه می توان عامل اول را «نوع دوستی»<sup>۱</sup> نامید؛ عامل دوم به بعد منفی رفتار مساعدت گونه اشاره دارد که می توان آن را خودخواهی<sup>۲</sup> نام نهاد. چنانچه اشاره شد «پرسشنامه جهتگیری مساعدت» (HOQ) (۱۹۸۶)

به ابعاد چهارگانه رفتار مساعدتی شامل نועدوستی، گذشت پذیرنده، متحمل شدن درونی و خودخواهی می پردازد که دو بعد اول به جهتگیریهای مثبت و دو بعد دیگر به جهتگیریهای منفی رفتار مساعدتی توجه داشته است (جدول ۳).

### تحلیل همبستگی

در تحلیل عاملی که ابزار تحقیق شامل دو بعد مثبت و منفی نگرش مساعدتی بود، داده های تحقیق معرف آن است که نگرش مساعدتی روابط معناداری با دو بعد نועدوستی و خودخواهی دارد؛ ولی این رابطه درخصوص نועدوستی مثبت گزارش شده و درخصوص نگرش خودخواهی منفی محاسبه گردیده است.

جدول ۸) ماتریس همبستگی دو بعد و کل نگرش مساعدت گونه

نگرش خودخواهی	نگرش نوع دوستی	
-۰/۷۵۷ P=۰/۰۰۰	۰/۹۲۳ P=۰/۰۰۰	نگرش مساعدتی
-۰/۴۶۹ P=۰/۰۰۰	۱	نگرش نועدوستانه

### بحث و نتیجه گیری

یکی از حوزه های کاربردی جامعه شناسی، به شناخت و حل مسائل فردی، گروهی و اجتماعی افراد جامعه توجه دارد که بعد حرفه ای آن را مددکاری اجتماعی گویند. باافزایش و گسترش تغییرات اجتماعی در حوزه های متعدد جامعه و بروز مسائل متعدد، شاهد نیازمندی حل مشکلات افراد جامعه می باشیم و این نیاز با گذشت زمان کاهش

نیافته، بلکه بر شکل و نوع آن نیز افزوده شده است. جامعه‌شناسان علاوه بر بعد حرفه‌ای، بر شناخت ماهیت و چگونگی روابط بین فردی و اجتماعی افراد جامعه تکیه دارند. زمینه فرهنگی مهم عملی شدن اهداف مددکاری اجتماعی زمانی تحقق می‌یابد که روابط اجتماعی مناسبی در راستای کمک رساندن افراد به یکدیگر وجود داشته باشد. فرایند حرفه‌ای مددکاری اجتماعی، زمانی عملی می‌شود که نگرشهای مساعدت‌گونه بین افراد مناسب و اصلاح شده باشد و از نظر فرهنگی، شرایط مناسبی برای همیاری در بین افراد جامعه حکمفرما شده باشد. بخشی از چگونگی تحقق رسالت مددکاری اجتماعی، اختصاص به آن دارد که کارشناسان اجتماعی میزان و چگونگی روابط اجتماعی بین افراد در راستای مساعدت نمودن به یکدیگر را مورد سنجش قرار دهند تا تلاشهای آنها مثمر ثمر و اثربخش باشد. نگرشهای مساعدت‌گونه اجتماعی افراد جامعه، نقش قابل توجهی در نظام مددکاری اجتماعی ایفا می‌نماید. نگرشهای اجتماعی مساعدت‌گونه، زمینه‌ای مناسب برای حل مسائل و مشکلات بین افراد می‌باشد و موجب افزایش روحیه همدلی، تشریک مساعی و تعاون می‌گردد، و نیز میزان اثربخشی فعالیت‌های حرفه‌ای مددکاری اجتماعی را افزایش می‌دهد. تا زمانی که روابط اجتماعی بین افراد به گونه‌ای است که در موقعیتهای اجتماعی به یکدیگر کمک نمی‌کنند و روحیه تشریک مساعی و همدلی و همیاری ندارند، فعالیت‌های حرفه‌ای مددکاری اجتماعی نیز تحقق نمی‌یابد. نگرشهای مساعدت‌گونه (بعد روانشناختی اجتماعی) و مددکاری اجتماعی (بعد جامعه‌شناختی) در راستای شناخت و حل مشکلات افراد، مکمل یکدیگر تلقی می‌شود.

از آنجا که لازمه تحقق اهداف مددکاری اجتماعی، وجود شرایط رفتاری و نگرشی در زمینه همیاری و کمک رساندن به یکدیگر می‌باشد، پژوهش حاضر سعی در سنجش و اندازه‌گیری نگرشهای مساعدت‌گونه افراد در زمینه کمک رساندن به دیگران داشته است و در این جهت مقیاسی استاندارد برگزیده شد و جهت آزمون و اعتباریابی آن،

پژوهشی پیمایشی میان دویست دانشجوی دختر و پسر با استفاده از ابزار استاندارد نیکل (۱۹۹۸) انجام گردید:

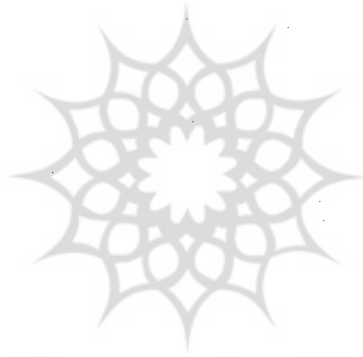
۱. مقیاس نگرشهای مساعدت (HAS) در تحقیق حاضر از پایایی معتبر برخوردار بوده است ( $\alpha=0/824$ ) و میزان بیست گویه آن با تحقیقات نیکل (۱۹۹۸) همخوانی دارد. علاوه بر آن نگرشهای مساعدت گونه دارای توزیع نرمال بوده اند.
۲. تحلیل عاملی، معرف روایی سازه ابزار تحقیق بوده است.
۳. میانگین نمرات داوطلبان در تحقیق حاضر در راستای تحقیقات نیکل می باشد (در تحقیق حاضر و گزارش نیکل به ترتیب  $78/87$  و  $79/56$  بوده است).
۴. در راستای نتایج تحقیقات نیکل (۱۹۹۸) پژوهش حاضر نیز معرف آن بوده که نگرشهای داوطلب در زمینه تمایل به کمک نمودن به دیگران (با ۲۰ گویه) به نفع دختران بوده است و تفاوت نگرش میان دختران و پسران معنادار می باشد.
۵. در راستای نتایج تحقیقات نیکل (۱۹۹۸)، میانگین نمرات داوطلبان دختر و پسر با تحقیق حاضر همخوانی دارد. میانگین نمرات دختران و پسران در تحقیق نیکل با ۲۰۰ گویه به ترتیب  $81/45$  و  $75/17$  بوده است و نمرات داوطلبان دختر و پسر در پژوهش حاضر با ۲۰ گویه به ترتیب  $81/01$  و  $76/74$  می باشد.
۶. از آنجا که ساخت مقیاس توسط نیکل به گونه ای بوده است که ۶ گویه به بعد منفی و ۱۴ گویه به سنجش بعد مثبت نگرش مساعدتی می پردازد، تحلیل عاملی به گونه ای بوده است که گویه های مثبت در عامل اول و گویه های منفی در عامل دوم قابل تقلیل است؛ لذا عامل اول را می توان نوع دوستی و عامل دوم را می توان خودخواهی نام نهاد که پاره مقیاسهای فوق در راستای پاره مقیاسهای «پرسشنامه جهتگیری مساعدت» HOQ می باشد.

## منابع فارسی

- ساروخانی، باقر؛ دایرة المعارف علوم اجتماعی؛ تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۰.
- شیخی، محمدتقی؛ مددکاری اجتماعی و جامعه شناسی مسائل اجتماعی؛ تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۷۳.
- کلاین، پل؛ راهنمای آسان تحلیل عاملی؛ ترجمه سیدجلال الدین صدرالسادات واصغرمینایی؛ تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۰.
- کیم، جا، آن و چارلز، مولر؛ کاربرد تحلیل عاملی در پژوهش اجتماعی؛ ترجمه مسعود کوثری؛ تهران: انتشارات سلمان، ۱۳۷۸.

## منابع انگلیسی

- Batson, C.D (1991) . **The altruism Question: Toward a social psychological answer**. Hpllsdale , NJ; Lawrence Erlbaum.
- Bekker, R.(?) **individual and situational Determinants of prosocial behavior**:<http://www.fss.uu.nl/soc/homes/bekkers/now.htm>
- Darley and Batson. (1973) **situational and Dispositional variables in helping behavior**. <http://homesprintmail.com/~dtroat/psych/helping.htm>.
- Nickell, S.G (1998) . **The Helping Attitude scale** . paper presented at 106 th Annual convention of the American psychological Association at san Francisco
- Romer, D.G ruder.C.L.and Lizzadro. T. (1986) . **A person. Sitvation approach to altruistic behavior**. Journal of personality and socid psychology, 51(5), 8101-102
- The Environment Dimensions of Altruism and prosocial behavior**: <http://www.Uwm.Edu/people/voss/spec/altruism001.htm>
- Skidmore, A.Rex and M,G,Thackeray and O,W,Farley(2000), "Introduction to Social Work", Prentice-Hall International Editions.



پروشکاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی